



کوروش بزرگ (کوروش شناسی)

کوروش و به آتش کشیدن خانه مردم!!؟؟ (تحریف نوشته های گزنفون توسط غیاث آبادی)

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۶ اردیبهشت ۱۳۹۵ - ۱۵ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

نویسنده : فریدون فرامرزی برگرفته از سایت نقد رضا مرادی غیاث آبادی یکی از موارد دیگری که آقای غیاث آبادی به آن اشاره می کنند که باز هم تحریفات و غرض ورزی ها در آن موج می زند این نوشتار است: به گزارش گزنفون، کوروش در برابر لشکر سراسر مسلح خود نطقی ایراد کرد که خلاصه آن چنین است: «امروز همه نعمت های آسمانی در اختیار ماست تا به تارومار دشمنی بپردازیم که در خواب است. جوایز این کشتار از برای شما طلا و اموال و نام نیک و آزادی است. ما در صبح زود در حالی به شهر حمله می کنیم که مردم در بستر ناز و خوشی آرمی



نویسنده : فریدون فرامرز

برگرفته از سایت نقد رضا مرادی غیاث آبادی

یکی از موارد دیگری که آقای غیاث آبادی به آن اشاره می کنند که باز هم تحریفات و غرض ورزی ها در آن موج می زند این نوشتار است:

به گزارش گزنفون، کورش در برابر لشکر سراسر مسلح خود نطقی ایراد کرد که خلاصه آن چنین است: «امروز همه نعمت‌های آسمانی در اختیار ماست تا به تارومار دشمنی پردازیم که در خواب است. جوایز این کشتار از برای شما طلا و اموال و نام نیک و آزادی است. ما در صبح زود در حالی به شهر حمله می‌کنیم که مردم در بستر ناز و خوشی آرمیده‌اند. ما مشعل‌های بسیار و قیر فراوان در اختیار داریم و خانه‌های آنان جملگی از چوب خرما است. سربازان ما خانه‌های آنان را به سرعت آتش خواهند زد و آنان یا باید بگریزند و یا در میان شعله‌های آتش بسوزند».

بنگرید به: رنج‌های بشری ۱۳۶: کورش بزرگ و به آتش کشیدن خانه مردم، رضا مرادی غیاث آبادی، جمعه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۱

می دانیم که این بخش ها در کوروش نامه که غیاث آبادی به آن استناد می کند مرتبط با فتح بابل است و با توجه به منابع موثق تر می دانیم که فتح بابل بدون جنگ صورت گرفته است. شاید آقای غیاث آبادی از قصد نام بابل را نیاورده است. اما به هر حال به بررسی آنچه گزنفون نقل کرده است می پردازیم.

آقای غیاث آبادی بنا به گفته خودشان «خلاصه ای» از نطق کوروش را نوشته اند و متأسفانه بخش های زیادی از

این گفتار توسط آقای غیاث آبادی حذف شده است.

همچنین از آن جایی که ایشان از ترجمه رضا مشایخی بهره بردند و به نظر می رسد که آقای مشایخی درک صحیحی از این قسمت نداشتند. (هرچند غیاث آبادی چندان هم به این ترجمه وفادار نبوده است)

داستان از آن قرار است که کوروش به یارانش می گوید اگر دشمنان برای انداختن تیر به بام های خانه های خودشان رفتند، نگران نباشید چرا که ما می توانیم با استفاده از آتش، ترفند آنها را خنثی کنیم و ایوان هایشان را آتش بزنیم. البته هیچ اشاره ای به عملی شدن این موضوع نمی شود.

بر اساس گفته ی گزنفون کاملاً مشخص است که منظور کوروش، جنگجویان دشمن است. آقای مشایخی بخش هایی را به این قسمت افزودند که من در ترجمه های دیگر مشاهده نکردم و بخش های مهمی هم نیآورده اند. برای روشن تر شدن قضیه، در اینجا ترجمه هایی دیگر را می آوریم:

ابوالحسن تهامی:

دوستانم، آن سترگ رود اکنون گامی به دیگر سو نهاده است و بستر خود را در جای جاده یی به بابل، ما را پیشکش داده است. ما باید از این پیشکش او دلیری گیریم و بی هراسی به شهر اندرون شویم؛ و از یاد نبریم، اینان که در امشب به نبردشان می پوییم، همان کسان اند که پیش تر آنان را شکسته ایم؛ شکسته ایم آنان را به روزگاهان[صبح]، به بیداری، که سلیح پوشیده بودند تا به دندان، و به آرایش رزمی بودند به میدان. امشب که به دیدارشان می شویم برخی در خواب اند و چندی مست، و همه نا آماده. و چون ایشان دریابند که ما به شهر اندریم شگفتی و هراس، توان ایشان بیش ستاند و درماندگی بر ایشان بیش چیره گرداند. اگر هر یک از شما را اندیشه ی فرود آمدن تیرها و ژوبین ها، به آن هنگام که لشکر به شهر اندرون شده است، می ترساند، فرمان می دهم تان که این ترس ها از خویش تن برون فکنید. اگر دشمنان ما بر فراز بام هاشان شوند، ما را ایزدی ست که به یاری می آید، آتش- ایزد. ایوان های ایشان را به آسانی به آتش کشیدن توان، زیرا درهاشان همه از چوب نخل کرده اند، و بهر درخشندگی آن را به قیر اندوده اند، که هر دو نیکو ترین خوراک آتش اند. و آمده ایم با مشعل های فروزان تا بر آن ها آتش در افکنیم و با روغن و پنبه ها فروزانها داریم. ناچارند آنان که بگریزند از خانه هاشان و اگر چنین نکنند در آتش ها بسوزند. بیایید با شمشیر ها آخته تان، به یاری آفریدگار، من راهبر شما یان ام.

خشایار رخسانی:

آن رودخانه راه ورودی به درون شهر را برای ما گشوده است. از اینرو، بگذارید تا ما با دل هایی بی باک به شهر اندر شویم، و از هیچ چیزی نترسیم، و بیاد آوریم، آن کسانی که هم اکنون می خواهیم برای رو در رو شدن با آنها به

سویشان روانه شویم، همان مردانی هستند که ما بارها آنها را شکست داده ایم، هم در آن هنگام که همه آنها در زده های رزمی شان، سازمان داده شده با همبستگیانشان در کنارشان، ایستاده بودند، و هم در آن هنگام که آنها به رسایی بیدار، هوشیار و آراسته به جنگ ابزارهایشان بودند؛ درهالیکه هم اکنون ما در زمانی داریم بر آنها یورش می آوریم که بسیاری از آنها خواب هستند، بسیاری از آنها بدمست هستند و هیچکدام از آنها در سازماندهی رزمیش نیست. و هنگامیکه آنها پی ببرند که ما به درون دیوارها راه یافته ایم، از ترس و هراس ناگهانی که بدست خواهند آورد، آنها درمانده تر از آنچه که هم اکنون هستند، خواهند شد. ولی اگر کسی بیمناک از چیزی است که تازندگان به شهرها از آن به نام چشم ترس یاد میکنند - به چم (یعنی) - اینکه، مردم شاید بر بام خانه هایشان بروند و از آنجا رگبار تیر از راست و چپ به پایین پرتاب کنند، شما نیاز به کمترین نگرانی ندارید؛ زیرا اگر کسی برای آسیب زدن به ما بالای خانه اش برود، ما خداوند را در کنار خودمان داریم. ایوان خانه های آنها بسیار آتش زاست، چونکه درها از چوب نخل درست شده اند و با گزف (قیر) پوشانده و آراسته شده اند، چیزیکه همانند گیرانه (فتیله) آتش خواهد گرفت. و این درهالی است که ما از چراغ دان های فراوانی برخورداریم که از ساگ های (ساقه های) درخت کاج هستند، که میتوانند آتش سوزی بزرگی را برپا سازند؛ و ما گزف ها (قیر) و پیشندهای (الیاف) فراوانی از پنبه در فرادست داریم، که آتش را به تندی در هرجایی گسترش خواهند داد، بگونه ای که آنها که بر بالای خانه ها رفته اند ناگزیر خواهند بود که یا شتابان جایشان را فروگذارند و یا به تندی خوراک آتش شوند.

ولی بیاید و جنگ ابزارهای خود را در دست بگیرید! و به امید پروردگار، من شما را رهبری خواهم کرد.

Henry Graham Dakyns:

My friends, the river has stepped aside for us; he offers us a passage by his own high-road into Babylon. We must take heart and enter fearlessly, remembering that those against whom we are to march this night are the very men we have conquered before, and that too when they had their allies to help them, when they were awake, alert, and sober, armed to the teeth, and in their battle order. To-night we go against them when some are asleep and some are drunk, and all are unprepared: and when they learn that we are within the walls, sheer astonishment will make them still more helpless than before. If any of you are troubled by the thought of volleys from the roofs when the army enters the city, I bid you lay these fears aside: if our enemies do climb their roofs we have a god to help us, the god of Fire. Their porches are easily set aflame, for the doors are made of palm-wood and varnished with bitumen, the very food of fire. And we shall come with the pine-torch to kindle it, and with pitch and tow to feed it. They will be forced to flee from their homes or be burnt to death. Come, take your swords in your hand: God helping me, I will lead you on

رضا مشایخی (ترجمه ای که غیاث آبادی به آن اشاره کرده است):

دوستان من، بستر رودخانه وسیع و راه بسیار مناسبی برای ورود ما به شهر است، برویم و با کمال اطمینان و بدون ذره ای ترس و تردید وارد شهر شویم.

حریف ما همان است که با وجود متحدین بسیار از ما شکست خورد. همه آن روز را به یاد دارید که در مقابل ما شکست خورد و پا به فرار گذارد. آن روز صبح خیلی زود خود را برای مدافعه آماده کرده بود و سلاح کافی در دست داشت و صف آرایی نموده بود، و حال آن که امروز که ما آنان را مورد حمله قرار می دهیم جملگی در خواب و مست باده عیش و نوش اند. مردم یا در بستر ناز و خوشی آرمیده اند و یا در گوشه و کنار به نوشیدن و طرب مشغول اند و چون ما را در داخل شهر خود ببینند چنان گرفتار بهت و هراس خواهند شد که دیگر قادر به در دست گرفتن سلاح نیستند.

اگر بعضی از اشخاص در گوشتان خوانده اند که ورود در شهری به این عظمت، با وجود پاسبانان متعدد و کثرت جمعیت و از جان گذشتگی مردم [!!] امری دشوار و خطرناک است؛ اطمینان داشته باشید که در برابر سپاهیان دلیر و کارآزموده ای مانند شما کار مهمی از آنان ساخته نیست. حصار خانه هاشان همه از چوب خرما و با قیر قابل احتراق آغشته است. ما مشعل های بسیار داریم که در اندک فرصت همه جا را شعله ور و شهر را دچار حریق عظیمی خواهد کرد. سربازان ما مقداری قیر قابل احتراق با خود دارند و به سرعت خانه ها را آتش خواهند زد و بدین قرار مدافعین یا باید خانه و مواضع دفاعی خود را رها کنند و بگیرزند یا در میان شعله های آتش بسوزند. سربازان من، اسلحه خود را بردارید و به پیش بروید. به یاری خدایان شما را قریبا به سرمنزل پیروزی خواهم رساند.

در اینجا بر خلاف ترجمه های دیگر، موضوع رفتن دشمنان به بالای بام هایشان مطرح نشده است که نقص این ترجمه را نشان می دهد؛ همچنین لفظ «از جان گذشتگی مردم» آمده است که در دیگر ترجمه ها دیده نمی شود.

کوروش نامه گرنفون، دفتر ۷، بخش ۵، بند های ۲۰ تا ۲۴

شاید آقای غیاث آبادی از روی مطالعه غیر دقیق و سرسری منابع، این مطالب را نوشتند. چرا که مثلا نوشتند «ما در صبح زود در حالی به شهر حمله می کنیم که مردم در بستر ناز و خوشی آرمیده اند.» در صورتی که ترجمه ای که بدان استناد می کنند اینچنین است: «حریف ما همان است که با وجود متحدین بسیار از ما شکست خورد. همه آن روز را به یاد دارید که در مقابل ما شکست خورد و پا به فرار گذارد. آن روز صبح خیلی زود خود را برای مدافعه آماده کرده بود و سلاح کافی در دست داشت و صف آرایی نموده بود، و حال آن که امروز که ما آنان را مورد حمله قرار می دهیم جملگی در خواب و مست باده عیش و نوش اند.»

باید توجه داشت که بر اساس کوروش نامه ی گرنفون، فتح این شهر در ادامه اقدامات دفاعی و پدافندی کوروش صورت می گیرد و در حقیقت مرکز قوای دشمن است. از طرفی با توجه به آنچه گرنفون از سخنان کوروش بعد از فتح بابل پیرامون تیمار داری مردمان (دفتر ۷، بخش ۵، بند ۴۷) نقل می کند، و همچنین دیگر نقاط کوروش نامه

که از رفتار مهر آمیز کوروش با مردمان می گوید و در آینده به آنها اشاراتی می کنیم؛ می توان دریافت که اگر هم در جنگ ها به خانه های مردم آسیب می رسید، کوروش به تیمار داری مردمان می پرداخت. اما نشانی نمی بینیم که آسیبی به خانه های مردم رسیده باشد.

اگر قرار باشد بخشی از یک منبع را استفاده کنیم و به عنوان حقیقت تاریخی بپذیریم باید به دنبال اثبات آن با توجه به شواهد و مدارک دیگر باشیم. حال که یک موضوع در یک منبع گفته شده است؛ باید تمامی بخش های آن منبع را در نظر داشته باشیم تا بتوانیم قضاوت درستی درباره یک بخش از آن بکنیم.

اما برای تشخیص درست بودن یا غلط بودن این سخنرانی نیاز به یک بررسی کلی وجود دارد. باید دید آیا چنین سخنانی در منابع دیگر یافت می شوند؟ آیا منبعی هست که چنین سخنرانی را رد کند؟ آیا شواهدی هست که وجود چنین سخنانی را اثبات کند؟

بررسی صحت این روایات

معمولا پژوهش گران در بحث های تاریخی و بررسی چگونگی عملکرد شخصیتی مانند کوروش که روایت های نا همسان درباره او، توسط مورخان گوناگون گفته شده است؛ منابع مختلف مانند منابع یونانی، منابع یهودی و حتی شاهنامه فردوسی و... را کنار هم می گذارند و به بررسی اشتراکات آنها می پردازند. خوشبختانه آثار باستانی ارزشمندی مانند منشور کوروش بزرگ و رویدادنامه نبونید-کوروش و حتی منشور نبونید(آخرین پادشاه بابل) بدست آمده است که با یکدیگر هماهنگی دارند و می توان گفت از نظر اعتبار در جایگاه بالاتری نسبت به گفته مورخان یونانی قرار می گیرند.

پژوهش گر به هر روایت که می رسد چند سوال از خود می پرسد. آیا در منبع خطایی نیست؟ آیا منابع در این روایت اشتراک نظر دارند؟ آیا شواهدی از بیرون این روایت را تأیید می کند؟ کدام منبع(که معتبر تر است) را باید مبنا و اساس قرار دهیم؟ و... بعد از بررسی های دقیق به یک نتیجه می رسد. نمی شود کسی را در دادگاه متهم کنیم و بدون بررسی اسناد و مدارک و تحقیق درباره درستی یا نادرستی گفته ها، حکم اعدام برای آن متهم ببریم. بحث تاریخی هم، چنین حالتی دارد.

به راستی کهن ترین نسخه های کتاب های به جا مانده از مورخان یونانی مربوط به چه زمانی است؟! آیا ما مطمئن هستیم که هیچ تغییر و دگرگونی در روایات این مورخان صورت نگرفته است؟! در بررسی همین کوروش نامه ی گزنفون، پژوهش گران به نتایج جالبی رسیده اند. عده ای بخش هشتم از دفتر هشتم کوروش نامه را گفته های گزنفون نمی دانند؛ چرا که شیوه نگارش گزنفون را ندارد و با در نظر گرفتن کتاب بازگشت(دیگر اثر گزنفون) بخش هایی از آن رد می شود. به نظر می رسد بازنویسان، پس از مرگ گزنفون آن را به کتاب افزودند. همچنین با بررسی منابع متوجه می شویم که روایات مورخان یونانی با نوعی آمیختگی روبرو هستند. البته شاید وضعیت کوروش نامه ی گزنفون در این زمینه بهتر باشد؛ چرا که به نظر می رسد نوشته های هرودوت و کتزیاس با افسانه های یونانی

آمیخته شده اند ولی نوشته های گزنفون با روایت های دیگر مردان پارسی و مادی آمیخته شده است. جالب است که در کوروش نامه ی گزنفون بر خلاف گفته های هرودوت و کتزیاس، افسانه های غیر قابل باور دیده نمی شود و گویا یک خرد و یک پژوهش گسترده پشت آن بوده است و البته باید توجه داشت که بخش هایی از کوروش نامه ی گزنفون هماهنگی بسیار جالبی با روایت های ایرانی مانند شاهنامه و... دارد و این موضوع به ارزش کوروش نامه می افزاید.

به هر حال اگر هم بپذیریم این گفته های بجا مانده از خود گزنفون است باز هم احتمال اشتباه توسط گزنفون وجود دارد چرا که گزنفون سال ها پس از کوروش بزرگ زندگی می کرده است و هر مورخ و هر پژوهشگر ممکن است موضوعی را فراموش کند و ناخواسته دو موضوع را با هم قاطی کند. در زمان گزنفون، احتمال خطاهای سهوی وجود داشته است. اما گزنفون با این اثر خود، تأثیر بسیار خوبی گذاشت و حتی ممکن است خیلی از گفته های او درست باشد اما اینکه گفته های او را به صورت صددرصدی بپذیریم، درست نیست.

پس می توان گفت آثار باستانی بدست آمده از درجه اعتبار بالاتری برخوردار هستند و می توان آنها را مبنا و اساس قرار داد. به ویژه زمانی که سه منبع باستانی مهم یعنی منشور کوروش بزرگ، رویداد نامه نبونید- کوروش و استوانه نبونید، یکدیگر را تأیید می کنند.

در منشور کوروش و رویدادنامه نبونید-کوروش از فتح بدون جنگ بابل و رفتار شایسته کوروش بزرگ با مردم بابل سخن به میان می آید. شاید بتوان گفت که روایت های مربوط به چگونگی فتح شهر در گفته ی گزنفون با روایت های اشخاص دیگر آمیخته شده است.

گزنفون می نویسد:

سپاه آغازید به درون شهر رفتن، و از کسانی که با ایشان رویاروی آمدند چندی کشته شده و بر زمین افتادند...

کوروش نامه گزنفون، دفتر ۷، بخش ۵، بند ۲۶، ترجمه ابوالحسن تهامی

اما در منشور کوروش مطلب اینگونه بیان شده است:

(و آنگاه که) سربازان بسیار من [=کوروش] دوستانه اندر بابل گام برمی داشتند، من نگذاشتم کسی (در جایی) در تمامی سرزمین های سومر و اکد ترساننده باشد.

بند ۲۴ منشور کوروش بزرگ، ترجمه عبدالمجید ارفعی

همچنین رویداد نامه نبونید کوروش اینچنین است:

در روز شانزدهم، Ugbaru (گوبریاس)، فرمانده ی Gutium (احتمالاً سرزمین گوتی ها) و سپاه کوروش بدون جنگ وارد بابل شدند.

رویداد نامه نبونید-کوروش، ستون ۳، بند های ۱۵ و ۱۶

ممکن است روایت هایی که گزنفون درباره رویارویی با جنگجویان نوشته است؛ مربوط به شخص دیگری (شاید کوروش یکم، پدر بزرگ کوروش بزرگ) باشد که شهری را فتح کرده است. اما روایت های بعدی گزنفون که حاکی از رفتار نیک کوروش با مردم بابل است، مربوط به کوروش دوم (بزرگ) باشد؛ چرا که منشور کوروش بزرگ و رویدادنامه نبونید-کوروش و حتی منابع یهودی، هماهنگی نسبی با این بخش کوروش نامه ی گزنفون دارند.

اما به هر حال منابع یونانی اطلاعات سودمندی در اختیار ما می گذارند و می توان اشتراکات را از آنها بیرون کشید و به بررسی آنها پرداخت. وقتی منابع را کنار هم بگذاریم، همه در موارد انسانی و نیک کوروش اشتراک نظر دارند و از این رو اکثر پژوهشگران نظر مثبتی به کوروش دارند. ولی این نظر مثبت برای همه ی پادشاهان هخامنشی صادق نیست. چرا کسی از اردشیر سوم چیزی نمی گوید؟! پس اینکه اکثر اوقات از کوروش به نیکی یاد می شود؛ به دلیل بررسی های دقیق تاریخی است. اما نمی دانم، امروز، شخصی که بدون بررسی های دقیق بر روی روایات، با تحریف و دگرگونی آنها مواردی نادرست را در فضای مجازی گسترش می دهد؛ به دنبال چیست؟!

مطلب کامل: این نوشتار تنها بخشی از یک نوشتار کامل پیرامون تحریف نوشته های گزنفون توسط رضا مرادی غیاث آبادی بود.

غیاث آبادی و مصادره اسناد تاریخی

متن برگرفته از سایت ((نقد رضا مرادی غیاث آبادی)) نوشته جناب فریدون فرامرز

بنگرید به: کورش و به آتش کشیدن خانه مردم!!!؟؟ (تحریف نوشته های گزنفون توسط غیاث آبادی)

این متن در راستای سیاست جدید پارسیان دژ در این سایت قرار گرفته است.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «کورش و به آتش کشیدن خانه مردم!!؟؟» (تحریف نوشته های گزنفون توسط غیاث آبادی)، پارسیان دژ، ۱۳۹۵.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1836/pdf/کورش-آتش-کشیدن-خانه-مردم-تحریف-ن>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵